

# پدیدآورندگان آزمون

## طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی	حسین اسفینی، محمد بحیرایی، محمدابراهیم توزنده‌جانی، امیر زراندوز، علی شهبابی، نسترن صمدی، علیرضا عبدی، سعید عزیزخانی، امیر محمودیان، حامد نصیری
علوم و فنون ادبی	ابوذر احمدی، سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، علیرضا جعفری، پوریا حسین‌پور، عارفه‌سادات طباطبایی‌نژاد، فرهاد علی‌نژاد، حمید محدثی، حسینعلی موسی‌زاده، هومن نمازی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آریتا بیدقی، علیرضا حیدری، الهام رضایی، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، نگار غلامی
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، کوثر دستورانی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد
عربی، زبان قرآن	نوید امساکی، ولی برجی، هادی پولادی، محمد جهان‌بین، کاظم غلامی، مجید فاتحی، مرتضی کاظم‌شیرودی، علی محسن‌زاده، سید محمدعلی مرتضوی، الهه مسیح‌خواه، راضیه یادگاری
فلسفه و منطق	مجید پیرحسینلو، علیرضا تقی‌پور، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، کیمیا طهماسبی
اقتصاد	علیرضا رضایی، آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهسا عفتی، سید محمد مدنی دینانی، احمد منصوری

## گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران
ریاضی	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان
جامعه‌شناسی	مائده مؤمنی	مائده مؤمنی	فاطمه صفری
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	—
عربی، زبان قرآن	نوید امساکی	نوید امساکی	درویشعلی ابراهیمی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	سبا جعفرزاده صابری	فرهاد علی‌نژاد
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	فاطمه صفری

## گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروفچین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



## ریاضی و آمار (۲)

## ۱- گزینه «۴»

(علی شعربی)

$$((p \wedge q) \vee q) \Rightarrow \sim p \equiv q \Rightarrow \sim p \equiv q \vee \sim p$$

قانون جذب

حالا نقیض گزاره بالا را به کمک قانون دموگن می نویسیم:

$$\sim (\sim q \vee \sim p) \equiv q \wedge p$$

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استدلال ریاضی، صفحه‌های ۳ تا ۱۱)

## ۲- گزینه «۴»

(حسین اسفینی)

$$(\sim p \vee q) \wedge p \equiv T \Rightarrow \begin{cases} p \equiv T \Rightarrow \sim p \equiv F & (*) \\ \sim p \vee q \equiv T \xrightarrow{(*)} q \equiv T \end{cases}$$

$$(\sim r) \vee (\sim q \wedge p) = \begin{cases} \text{اگر } r \equiv T: (\underbrace{\sim r}_F) \vee (\underbrace{\sim q \wedge p}_F) \equiv F \equiv \sim r \\ \text{اگر } r \equiv F: (\underbrace{\sim r}_T) \vee (\underbrace{\sim q \wedge p}_F) \equiv T \equiv \sim r \end{cases}$$

پس همواره هم‌ارزش با  $\sim r$  است.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استدلال ریاضی، صفحه‌های ۳ تا ۱۱)

## ۳- گزینه «۲»

(امیر محمودیان)

اگر دو عدد را  $x$  و  $y$  در نظر بگیریم، نصف آن‌ها  $\frac{x}{2}$  و  $\frac{y}{2}$  و مجموع نصف دو عدد  $\frac{x}{2} + \frac{y}{2}$  است. مربع مجموع نصف دو عدد  $(\frac{x}{2} + \frac{y}{2})^2$  و حاصل ضرب دو عدد  $xy$  و ثلث حاصل ضرب آن‌ها  $\frac{xy}{3}$  است. بنابراین نماد

$$(\frac{x}{2} + \frac{y}{2})^2 > \frac{xy}{3}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استدلال ریاضی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

## ۴- گزینه «۱»

(امیر محمودیان)

الف) ممکن است برد تابع ثابت شامل یک عدد غیر صحیح (مثل  $\sqrt{2}$ ) باشد. این مورد نادرست است.

ب) در تابع ثابت  $\{(-3, 10), (-2, 10), (-1, 10)\}$  مجموع اعضای دامنه برابر با  $-6$  و مجموع اعضای برد برابر با  $10$  است که مجموع اعضای برد بیشتر است. این مورد نادرست است.

ج) دامنه و برد تابع  $\{(3, 2), (2, 1), (1, 3)\}$  یکسان است ولی همانی نیست. این مورد نادرست است.

د) تابع  $\{(a, a)\}$  هم ثابت است و هم همانی. مثلاً  $\{(2, 2)\}$ . این مورد نادرست است.

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۳)

## ۵- گزینه «۲»

(علیرضا عبیدی)

چون تابع پلکانی است، پس ضابطه هر قسمت باید عددی ثابت را نشان دهد. پس  $(a+1)x + 2$  یک تابع ثابت است. زمانی می‌توان این معادله را

به عدد ثابت تبدیل کرد که  $x$  را حذف کنیم. پس ضریب  $x$  را برابر صفر قرار می‌دهیم  $a+1=0 \Rightarrow a=-1$ . حال به دنبال  $f(a)$  یعنی  $f(-1)$  هستیم که باید از ضابطه بالایی استفاده کرد.

$$f(x) = \begin{cases} -2, & -3 < x < 2 \\ 2, & x \geq 2 \end{cases}$$

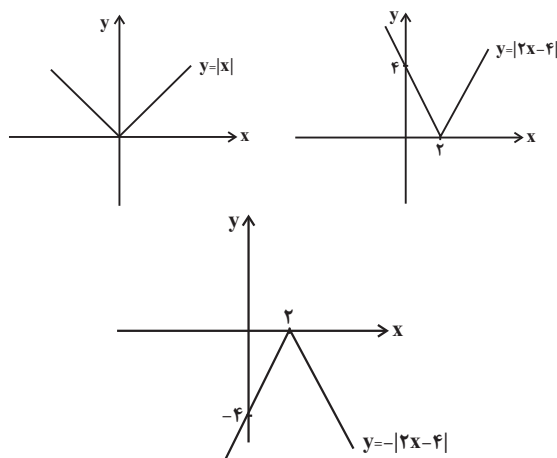
$$\Rightarrow f(-1) = -2$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۶)

## ۶- گزینه «۱»

(علیرضا عبیدی)

با رسم هر مرحله داریم:



(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۴)

## ۷- گزینه «۲»

(محمدابراهیم توزندهانی)

$$D_f \cap D_g = \{1, 3\}$$

با تشکیل توابع خواسته شده داریم:

$$f + g = \{(1, 6), (3, 12)\}, f - g = \{(1, -2), (3, -2)\}$$

$$f \times g = \{(1, 8), (3, 25)\}, \frac{f}{g} = \{(1, \frac{1}{3}), (3, \frac{5}{3})\}$$

$$\left( \frac{f+g}{f-g} \right) = \{(1, -3), (3, -6)\}$$

$$\left( \frac{f \times g}{\frac{f}{g}} \right) = \{(1, 16), (3, 49)\}$$

$$\left( \frac{f+g}{f-g} \right) \text{ میانگین اعضای برد } = \frac{-3-6}{2} = -\frac{9}{2} = -4.5$$

$$\left( \frac{f \times g}{\frac{f}{g}} \right) \text{ میانگین اعضای برد } = \frac{16+49}{2} = \frac{65}{2} = 32.5$$

$$\Rightarrow 32.5 - (-4.5) = 37 = \text{اختلاف خواسته شده}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)



## ۸- گزینه ۲»

(معمد بفریادی)

در دامنه دو تابع داریم:

$$-1 \leq x < 0 \Rightarrow \begin{cases} [x] = -1 \\ \text{sign}(x) = -1 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} (f+g)(x) = -2 \\ (f \times g)(x) = 1 \end{cases}$$

$$x = 0 \Rightarrow \begin{cases} [x] = 0 \\ \text{sign}(x) = 0 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} (f+g)(x) = 0 \\ (f \times g)(x) = 0 \end{cases}$$

$$0 < x < 1 \Rightarrow \begin{cases} [x] = 0 \\ \text{sign}(x) = 1 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} (f+g)(x) = 1 \\ (f \times g)(x) = 0 \end{cases}$$

$$\Rightarrow (f \times g)(x) - (f+g)(x) = \begin{cases} 3, & -1 \leq x < 0 \\ 0, & x = 0 \\ -1, & 0 < x < 1 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۵ تا ۵۴)

## ۹- گزینه ۲»

(امیر زرانروز)

با توجه به فرمول زیر داریم:

$$100 \times \frac{\text{کل هزینه جدید دو کالا}}{\text{کل هزینه اولیه دو کالا}} = \text{شاخص بهای دو کالا}$$

$$= \frac{(200 \times 40) + (10 \times 80)}{(200 \times 7) + (10 \times 15)} \times 100$$

$$= \frac{8800}{1550} \times 100 \approx 568.39 \approx 570$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۱)

## ۱۰- گزینه ۳»

(امیر زرانروز)

$$100 \times \frac{\text{تعداد جدید بیکاران}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ بیکاری جدید}$$

$$\Rightarrow 40 = \frac{1000 + x}{2000 + 1000} \times 100$$

$$\Rightarrow 40 = \frac{1000 + x}{3000} \times 100 \Rightarrow 1000 + x = 1200$$

$$\Rightarrow x = 200$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

## علوم و فنون ادبی (۲)

## ۱۱- گزینه ۱»

(فرهاد علی‌نژاد)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «فیه ما فیه» از آثار مولانا و مربوط به قرن هفتم هجری است.  
گزینه ۳: دولت‌شاه سمرقندی «تذکره دولتشاه» را در قرن نهم هجری در شرح احوال شاعران ایرانی نوشت. «نفحات الانس» جامی هم از آثار قرن نهم است.  
گزینه ۴: آثار این گزینه همگی مربوط به قرن هفتم هجری‌اند.  
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۹)

## ۱۲- گزینه ۴»

(عارفه سادات طباطبایی‌نژاد)

بیت گزینه ۴ به سبک عراقی سروده شده و مفهوم اشک‌ریختن در راه عشق در آن آمده است. والابودن مقام معشوق و غم‌گرایی از ویژگی‌های فکری این بیت است که متناسب با سبک عراقی است.

در سایر گزینه‌ها، توجه به دنیای بیرون (وصف طبیعت)، دعوت به خوش‌باشی و سخن گفتن از معشوقی زمینی، از ویژگی‌های سبک خراسانی است.  
(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

## ۱۳- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

گزینه ۴: «مه» استعاره از معشوق، «عقرب» استعاره از «زلف»، «زهره» استعاره از چهره و «شب‌نقاب» استعاره از زلف

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «لعل» استعاره از لب، «هندو» استعاره از خال یا مو، «قند» استعاره از لب

گزینه ۲: بیت فاقد استعاره است. «پسته‌دهان» صفت جانشین اسم است و نمی‌توان آن را استعاره در نظر گرفت. هم‌چنین شاعر «لب» را به «حلوی نبات» تشبیه کرده است و معتقد است در باغ (مجاز از طبیعت) گلی مانند رخسار یار نیست. (تشبیه مرجح)

گزینه ۳: «سنبل» استعاره از گیسو، «نسرین» استعاره از چهره و «لاله‌زار» استعاره از گونه‌های سرخ

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

## ۱۴- گزینه ۲»

(علیرضا یعفری)

واژه «صنم» به جای معشوق به کار رفته است: استعاره مصرّحه (حذف مشبه) شرم‌کردن خورشید و قمر / چهره خورشید و قمر: استعاره مکنیه (حذف مشبه‌به)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «خون در دل خورشید کردن: استعاره مکنیه / استعاره مصرّحه نداریم. (ماه در مصراع اول، مشبه‌به است: همین، ماهی است).

گزینه ۳: «غنج» به جای لب: استعاره مصرّحه / استعاره مکنیه نداریم.

گزینه ۴: «تن لاله و دل نافه: استعاره مکنیه / استعاره مصرّحه نداریم.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

## ۱۵- گزینه ۲»

(پوریا حسین‌پور)

وزن بیت صورت سؤال و گزینه ۲، عبارت است از «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» که به شکل «مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن» نیز تقسیم‌بندی هجایی می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن» (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)

گزینه ۳: «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن»

گزینه ۴: «مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن»

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۱۶- گزینه ۱»

(ممد مهری)

وزن بیت «ب» و «د»، هر دو «مفعول فاعلاتن / مفعول فاعلاتن» (مستفعلن فاعولن / مستفعلن فاعولن) است.

وزن بیت «الف»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

وزن بیت «ج»: مفعول مفاعیلن / مفعول مفاعیلن (مستفعل مفعولن / مستفعل مفعولن)

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)



جامعه‌شناسی (۲)

۲۱- گزینه «۲»

(علیرضا هیدری)

جملات صورت سوال به ترتیب، مثالی برای جملات زیر هستند:  
در دیدگاه دوم، جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست.  
در دیدگاه سوم، بر مسئولیت فرد در قبال جامعه و فرهنگ تأکید می‌شود.  
در دیدگاه اول، ذهن افراد نیز هویتی مادی و طبیعی دارد.  
در دیدگاه دوم، جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۷ و ۸)

۲۲- گزینه «۱»

(الهام رضایی)

استعمار، نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۳)

۲۳- گزینه «۴»

(علیرضا هیدری)

دنیاگرایی رایج در سطح هنجارها، رفتارها و زندگی مردم، زمینه گسترش فلسفه‌های روشنگری را فراهم آورد و فلسفه‌های روشنگری، سکولاریسم را از لایه‌های سطحی فرهنگ غرب به لایه‌های عمیق آن تسری داد و فرهنگ معاصر غرب را پدید آورد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۰)

۲۴- گزینه «۱»

(آریتا بدرقی)

حقیقت ← معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف است.  
مضرات استفاده از محصولات تراریخته ← عقلانیت (سطح دوم)  
مسئولیت و تعهد ← زمینه تحقق و گسترش عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم می‌کند.

فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به آن پایبند باشد. ← عدالت

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۲۵- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی در عصر نبوی تا فتح مکه، در برابر اسلام، مقاومت آشکار کرده بود و از آن پس، در پوشش نفاق خزیده بود. این ارزش‌ها در دوران خلافت به تدریج اقتدار جامعه اسلامی را در چارچوب مناسبات قبیله‌ای و عشیره‌ای سازمان بخشید.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۹)

۲۶- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

تشریح مورد نادرست:

لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۶، ۷۹ و ۸۰)

۲۷- گزینه «۳»

(ارغوان عبدالملکی)

طرف‌های درگیر دو جنگ، در قالب ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی رفتار خود را توجیه می‌کردند. بر این اساس این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشتند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جهانی، صفحه ۸۵)

۱۷- گزینه «۳»

(مسینعلی موسی‌زاده)

«گی سوان با/ ف ت چون خو/ ش چ دا ری/ دة نوز: فاعلاتن (به جای فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فعلن»

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر ز مان زین / سب ز گل شن / رخ ت بی رون / می ب رم: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه «۲»: چ مر گا مد/ چ سو دش دا/ شت إد ری سی/ ی لق ما نی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

گزینه «۳»: ک ش ما مش/ ک ل این غم/ ب ه نر بگ/ شا بیید: فاعلاتن فاعلاتن فعل لن (فعلن)

گزینه «۴»: ای را ح ت/ دل ها ب ت/ آ را م جا/ ن کی س تی: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۸- گزینه «۴»

(پوریا حسین‌پور)

وزن مصراع آخر عبارت است از «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن».

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»:

گف	تم	ک	ب	دا	نا	یی
-	-	U	U	-	-	-

از	قیه	د	ت	بگ	ریه	زم
-	-	U	U	-	-	-

گزینه «۲»:

ب	ت	حا	ص	لی	ن	دا	رد
U	U	-	U	-	U	-	-

غ	م	رو	ز	گا	ر	گف	تن
U	U	-	U	-	U	-	-

گزینه «۳»:

ج	هان	پیه	رس	ت	بی	بن	یا
U	-	-	-	U	-	-	-

د	زین	فر	ها	د	کش	فر	یاد
U	-	-	-	U	-	-	-

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۹- گزینه «۲»

(مسن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: بیان شور و شوق شاعر و برتری‌دادن آن به پدیده‌های مختلف طبیعی (برق و باد و شعله) و حتی شوق مجنون. (در بیت گزینه «۳» این مقایسه کم‌رنگ‌تر است و فقط در مصراع اول دیده می‌شود؛ اما باز هم این گزینه ارتباط بیشتری با گزینه‌های «۱» و «۴» دارد).

در بیت گزینه «۲»، شاعر برق و ابر را عاشق می‌داند و خندیدن برق (رعد) و گریستن ابر (باران) را نشان از آن عشق می‌داند (دقت شود که در هر مصراع بیت این گزینه، سؤالی مطرح شده است).

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۶۲)

۲۰- گزینه «۳»

(مسن اصغری)

در بیت صورت سؤال، شاعر دلیل مستی خود را معشوق می‌داند نه شراب؛ این مفهوم در بیت گزینه «۳» نیز بیان شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۷)



۲۸- گزینه ۴»

– هنگامی که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزنند، بحران اتفاق می‌افتد.  
– برخی متفکران، مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم را بحران‌های زیست‌محیطی می‌دانند.

– در نگاه تمدن غرب، انسان بر این گمان است که با تسخیر طبیعت و تصرف در آن، می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند.  
(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۱، ۹۴ و ۹۵)

۲۹- گزینه ۴»

منورالفکران غرب‌گرا، نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را یک فرصت می‌دانستند.  
(پایه‌شناسی (۲)، پیرایه اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۱۰ و ۱۱۱)

۳۰- گزینه ۴»

تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت ← علت  
هویت فرهنگی جوامع غیرغربی  
علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست ← پیامد  
روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است.  
ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی ← علت  
را در توزیع فرهنگ غرب دارد.  
(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۰، ۷۱، ۹۹ و ۱۰۰)

روان‌شناسی

۳۱- گزینه ۲»

یکی از اهداف علوم تجربی، تبیین یک موضوع یا پدیده است. تبیین به بیان چرایی اتفاق افتادن یک پدیده می‌پردازد. در واقع، هر دانشمند زمانی که یک پدیده را تبیین می‌کند، در حال بیان علل اتفاق افتادن آن پدیده در جهان است.  
(روان‌شناسی، روان‌شناسی، تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۴)

۳۲- گزینه ۲»

رشد: آمادگی زیستی مبتنی بر یک برنامه طبیعی  
رشد: تغییرات پی‌درپی و منظم از زمان انعقاد نطفه تا هنگام مرگ در ابعاد گوناگون با الگو و نظم خاص  
یادگیری: فرایندی براساس تجربه (رفتاری و شناختی) با ایجاد تغییراتی نسبتاً دائمی در احساس، تفکر و رفتار فرد  
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۷، ۴۱ و ۴۲)

۳۳- گزینه ۳»

یکی از تفاوت‌های مهم نوجوانان با کودکان مهارت فراحافظه است؛ یعنی نوجوانان به دنبال چگونگی تقویت حافظه خود هستند و می‌خواهند چگونگی به حافظه‌سپردن اطلاعات را فراگیرند. به این نوع مهارت آموزشی، فراحافظه می‌گویند.  
(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

۳۴- گزینه ۴»

به همه چیزهایی که در دامنه توجه ما قرار می‌گیرد، آگاهی کامل نداریم. مثل زمانی که در جریان سخنرانی، کلمه‌ای ناخودآگاه به ذهن فرد می‌رسد، بدون اینکه بداند آن را کجا و چگونه آموخته است.  
(روان‌شناسی، احساس، توفه، ادراک، صفحه‌های ۷۴)

۳۵- گزینه ۱»

اگر ۹ علامت به آزمودنی‌ها ارائه شود، آزمودنی می‌تواند حداکثر ۹ اصابت (تصمیم درست) داشته باشد و حداکثر ۶ هشدار کاذب (زیرا به‌طور کلی در ۶ مرتبه از اجرای آزمایش محرک نداریم)، در حالی که پرویز ۷ هشدار کاذب داشته که غیرممکن است.  
(روان‌شناسی، احساس، توفه، ادراک، صفحه ۷۷)

۳۶- گزینه ۲»

تشریح گزینه‌ها:  
گزینه ۱: یکی از مهم‌ترین دلایل فراموشی اطلاعات در حافظه کوتاه‌مدت، جایگزینی مواد اطلاعاتی با موارد جدید است.  
گزینه ۲: مطالب چند روز گذشته، نمودی از حافظه بلندمدت می‌باشد.  
گزینه ۳: حفظ ۹ لغت به معنای فراخنای ارقام و مربوط به حافظه کوتاه‌مدت است.  
گزینه ۴: دقایقی پیش از امتحان نیز نشان‌دهنده کارکرد حافظه کوتاه‌مدت است.  
(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۴ تا ۹۷)

۳۷- گزینه ۳»

تحولات بازار بورس، موفقیت در کنکور و احترام به آزادی اندیشه همگی از مسائل علوم انسانی هستند که به سبب پیچیدگی و دشواری نمی‌توان جواب واحدی به آن‌ها داد و به سبب داشتن علل متعدد در دسته مسائل خوب تعریف نشده قرار می‌گیرند. در عوض مسئله افزایش کیفیت بنزین شهری راهکاری واحد و استاندارد دارد که می‌دانیم انجام آن ضامن رسیدن به هدف است.  
(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

۳۸- گزینه ۳»

چتر باز بین دو جنبه بی‌آبرو شدن یا پریدن با وجود ترس، باید یکی را انتخاب کند.  
بین دو امر خواستنی (استقلال و رفاه زندگی در کنار خانواده) مجبور به انتخاب است.  
(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲)

۳۹- گزینه ۴»

افراد در مواجهه با ناهماهنگی شناختی یا رفتار خود را تغییر می‌دهند، یا نگرش خود را تغییر می‌دهند و یا دست به توجیه می‌زنند تا بین رفتار و شناخت آن‌ها هماهنگی حاصل شود.  
(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۹ و ۱۷۰)

۴۰- گزینه ۴»

– برخی از مسائل روانی در ایجاد انواع بیماری‌های جسمانی مؤثر است؛ مثلاً ابتلا به بیماری‌های قلبی – عروقی به‌دلیل فشار کاری زیاد.  
– برخی از بیماری‌های جسمانی، عوارض و مشکلات روانی ایجاد می‌کنند؛ مانند ابتلا به افسردگی در نتیجه بیماری ام‌اس.  
(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه ۱۹۱)



عربی زبان قرآن (۲)

۴۱- گزینه ۱

(نور امسکی)

«اقصد فی مشیک»: در راه رفتنت میانه روی کن (رد سایر گزینه‌ها) / «اغضض مِن صوتک»: از صدایت بکاه (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أصوات»: صداها (رد گزینه ۳) / «الحمیر»: خران (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۴۲- گزینه ۲

(کاتم غلامی)

«أهدی»: هدیه بدهم؛ از «أهدی، یُهدی» گرفته شده است. (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «أعمالها التَّربوْیة»: کارهای پرورشی او (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «قَد سَبَّبت»: باعث شده (رد گزینه ۴) / «أَنْ تُحسِّنَ»: که خوب شود؛ فعل مجهول است (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۴۳- گزینه ۴

(کاتم غلامی)

«جاء ... ب»: آوردند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «عرف ابنة حاتم»: دختر حاتم را شناخت (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أطلقوها»: او را آزاد کنید (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «كان یُحب»: دوست می‌داشت (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۴۴- گزینه ۲

(مهمر هوان بین- قانتات)

«إن امتلاً الملعب من المتفرّجین»: اگر ورزشگاه از تماشاچیان پر شود، چون فعل لازم «امتلاً» از باب افتعال به معنی «پر شد» و «الملعب» فاعل آن است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «رُفَات: خاک قبر / استخوان پوسیده  
گزینه ۳: «فی أعین مُحَبِّبها: در چشم‌های دوستدارانش [أعین: جمع عین / مُحَبِّب + ها = مُحَبِّبها]  
گزینه ۴: «أصابتنا: به ما رسید / به ما برسد (فعل شرط را می‌توان مضارع ترجمه کرد).

(ترجمه)

۴۵- گزینه ۱

(الله مسیح فواه)

«بیشتر»: اکثر (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «در بر بگیرد»: یحتوی (رد گزینه ۲) / «معرفی کنی»: تعرّف (رد گزینه ۲) / «اصطلاحات فرهنگی»: المصطلحات الثقافیة (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «فرهنگ لغتی که»: معجماً (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۴۶- گزینه ۴

(سیر مهمر علی مرتضوی)

ترجمه عبارت صورت سؤال: «برای رعایت صرفه‌جویی در مصرف آب، هموطنان نباید شیر را (به صورت) باز رها کنند!»  
با توجه به ترجمه سایر گزینه‌ها، تنها عبارتی که معنای جمله را به صورت صحیح کامل می‌کند، «الحنفیة مفتوحة» است.

(واژگان)

۴۷- گزینه ۲

(مهمر هوان بین- قانتات)

فعل «نتواضع» از باب تفاعل است و فعل‌های باب تفاعل حرکت کسره ندارند، لذا شکل درست آن «تَتَوَاضَع» است، هم‌چنین «من» به کار رفته بعد از «کلّ»، حرف جرّ نیست؛ لذا باید «مَن» می‌بود.

(فیبط حرکات)

۴۸- گزینه ۳

(نور امسکی)

در صورتی که جواب شرط جمله اسمیه باشد، باید حرف «ف» بر سر آن بیاید. اگر عبارت «مَن اتَّصل بالشَّرکة ظهراً الموطَّف أجاهه» می‌خواست شرطیه باشد، باید بر سر «الموطَّف ...» حرف «ف» قرار می‌گرفت: «فالموطَّف ...».

(انواع هملات)

۴۹- گزینه ۲

(مهمر فاطمی - کامیاران)

«ال» در «الشاب» به معنی اسم اشاره «ذلک: آن» است. ترجمه عبارت گزینه ۲: «جوانی را در ساحل دیدیم، نزدیک بود آن جوان در دریا غرق شود!».

تکته مهم درسی:

هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود، الف و لامش به صورت اسم اشاره (این یا آن) ترجمه می‌شود.

(قواعد اسم)

۵۰- گزینه ۲

(الله مسیح فواه)

«تَصْبِحُ» مترادف «تَصْبِرُ» (می‌شود، می‌گردد) است، نه «تَصْبِرُ» (می‌گرداند).  
(انواع هملات)

فلسفه یازدهم

۵۱- گزینه ۴

(سبا پیغرزازه صابری)

تا قبل از سقراط فلسفه صرفاً به معنای دوستداری دانایی بود و بعدها به دانشی خاص اطلاق شد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «فلسفه ریشه‌ای یونانی دارد نه عربی.  
گزینه ۲: «سقراط برای اولین بار این لفظ را به کار نبرد.  
گزینه ۳: «سوفیست در ابتدا به معنای دانشمند و فرد دانا بود. فیلسوفوس (فیلسوف) نیز در گذر زمان به معنای دانشمند تلقی شد. پس دلالت اولیه سوفیست با تلقی ثانویه از فیلسوفوس در واقع یکی بود.

(فلسفه (۱)، پیستی فلسفه، صفحه ۷)

۵۲- گزینه ۱

(علیرضا تقی‌پور)

در این گزینه مسئله اول به حوزه فلسفه اولی که بخش اصلی و پایه فلسفه است تعلق دارد و مسئله دوم به فلسفه اخلاق که از فلسفه‌های مضاف است تعلق دارد و فلسفه‌های مضاف بخش‌های فرعی و شاخه فلسفه محسوب می‌شوند.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۶)

۵۳- گزینه ۱

(کیمیا طوماسبی)

شخصی که دارای استقلال در اندیشه باشد تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص. شخص مذکور در بند «الف» چون عقیده هنرمند مورد علاقه‌اش را بدون توجه به استدلال و دلیل آن می‌پذیرد، فاقد چنین استقلال است.





گاهی افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می‌پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت درآمد است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آن‌ها را پذیرفته‌اند؛ خرافه‌هایی از قبیل «شکستن آینه شگون ندارد» نمونه‌ای از این عقاید هستند.

(فلسفه (۱)، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

#### ۵۴- گزینه ۴

سوفیست‌ها به دلیل این که نظرات اندیشمندان و جهان‌شناسان با یکدیگر متضاد بود و نتوانسته بودند تفسیر درستی از جهان ارائه دهند، به بیهوده بودن نظر ایشان حکم دادند و به تعلیم فن سخنوری تأکید کردند نه بالعکس.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: سوفیست‌ها به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند پس پیروزی برایشان تقدم داشت.

گزینه ۲: به تدریج دیدگاه دانشمندان ایونیا (زادگاه فلسفه یونانی)، آتن، پایتخت یونان را هم تحت تأثیر قرار داد و آتن به مرکز نظریات گوناگون و اختلافات فکری تبدیل شد. آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که این اندیشمندان عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد و در نهایت به ظهور سوفیست‌ها بینجامد.

گزینه ۳: این گروه خود را سوفیست می‌خواندند پس خودشان مبدأ نام‌گذاری خود بودند.

(فلسفه (۱)، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۴)

#### ۵۵- گزینه ۳

سقراط گفت: «ما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می‌پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می‌شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟». بنابراین او باور و اعتقادش به خداوند را از طریق قائل‌بودن خود به آثار و لوازم او اثبات کرد. اما دقت کنید که این جمله بدین معنی نیست که لوازم یک امر بر آن تقدم دارند و قبل از آن هستند. قاعدتاً ابتدا خود امر وجود دارد و سپس لوازم آن. سقراط نیز بر پایه این اصل است که دارد با دیدن معلول وجود علت را اثبات می‌کند. پس سیر استدلال سقراط را از پیش‌فرض استدلال او تفکیک کنید.

(فلسفه (۱)، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۲)

#### ۵۶- گزینه ۴

هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روشن است و شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: شناخت ما محدود است اما می‌تواند گسترش یابد.

گزینه ۲: شک در توانایی انسان در شناخت برخی امور به معنای شک در خود اصل امکان شناخت نیست.

گزینه ۳: با پیشرفت علم، «برخی» از دانش‌های گذشته باطل می‌شوند.

(فلسفه (۱)، امکان شناخت، صفحه‌های ۴۵ و ۴۸)

#### ۵۷- گزینه ۱

دانستنی‌های دانش فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می‌توان به آن‌ها رسید. مثلاً ذات و صفات خداوند را نمی‌توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آن‌ها مستلزم بهره‌گیری از قواعد شناخت عقلی است.

از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست.

عارف و سالک الی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعا بباید. این قبیل مشاهدات، از نوع شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی‌آید.

(فلسفه (۱)، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱، ۵۳ و ۵۴)

#### ۵۸- گزینه ۴

از نظر کانت شناخت حاصل همکاری حس و عقل است؛ اینکه خورشید طلوع می‌کند و پس از آن زمین روشن می‌شود داده‌ای است که حس در اختیار دستگاه ادراکی ما قرار می‌دهد و این دستگاه ادراکی ما با استفاده از مفاهیم مستقل از تجربه (مانند علیت) که در اختیار دارد، حکم به یک رابطه وجودی بین این دو پدیده متعاقب می‌کند. پس اینکه علت روشن شدن زمین خورشید است امری است که به کمک مفاهیم دستگاه ادراکی درک می‌شود.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: بیکن محصور ماندن علوم تجربی در خرافات را نتیجه دنباله‌روی فیلسوفان گذشته از ارسطو می‌دانست نه برعکس.

گزینه ۲: از منظر کانت شناخت حاصل همکاری حس و عقل است؛ نه مفاهیم دستگاه ادراکی.

گزینه ۳: دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود؛ اما به شناخت عقلی بهای بیشتری می‌داد.

(فلسفه (۱)، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

#### ۵۹- گزینه ۳

مقصود از ناطق بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. انسان با قوه تفکر خود استدلال می‌کند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می‌گیرد و استدلال را سامان می‌دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می‌کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌نماید.

(فلسفه (۱)، پیوستی انسان (۱)، صفحه ۷۲)

#### ۶۰- گزینه ۳

گزینه ۳: عمل اخلاقی از نظر کانت خیر فی نفسه است و برای غایتی بیرون از خود انجام نمی‌شود، بلکه صرفاً به خاطر اطاعت از وظیفه انجام می‌شود.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: از نظر افلاطون معیار اخلاق ثابت است و با گذر زمان تغییر نمی‌کند. گزینه ۲: از نظر ارسطو عقل خود ابتدائاً باید دچار افراط و تفریط نشود تا بتواند بر سایر قوا فرمانروایی کند.

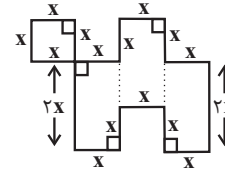
گزینه ۴: ماتریالیست‌ها معتقدند انسان در شرایط قرار گرفتن در اجتماع، دست به ابداع قوانین اخلاقی می‌زند.

(فلسفه (۱)، انسان موپور افلاطون، صفحه‌های ۸۶ تا ۸۹)

ریاضی و آمار (۱)

۶۱- گزینه «۴»

(فامر تصویر)



$$S = x^2 + 2x^2 + 2x^2 + 2x^2 = 7x^2$$

$$P = 18x$$

$$S = 7P \Rightarrow 7x^2 = 7 \times (18x) \Rightarrow x^2 = 18x \Rightarrow x^2 - 18x = 0$$

$$\Rightarrow x(x-18) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x=0 & \text{غ ق ق} \\ x=18 & \text{ق ق} \end{cases} \Rightarrow P = 18 \times 18 = 324$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۶)

۶۲- گزینه «۳»

(علی شعربی)

معادله را ساده‌تر می‌نویسیم:

$$(x-3)^2 + x(x+k) - 4 = 0 \Rightarrow x^2 - 6x + 9 + x^2 + kx - 4 = 0$$

$$2x^2 + (k-6)x + 5 = 0$$

مجموع ریشه‌ها،  $3/5$  است، پس:

$$S = \frac{-b}{a} \Rightarrow 3/5 = \frac{-(k-6)}{2} \Rightarrow 7 = -k + 6 \Rightarrow k = -1$$

با جای‌گذاری  $k = -1$ ، معادله به شکل  $2x^2 - 7x + 5 = 0$  در می‌آید.

چون مجموع ضرایب این معادله، صفر است، پس ریشه‌های آن  $1$  و  $\frac{c}{a}$  است.

$$\left. \begin{matrix} x_1 = 1 \\ x_2 = \frac{c}{a} = \frac{5}{2} \end{matrix} \right\} \xrightarrow{\text{اختلاف}} \frac{5}{2} - 1 = \frac{3}{2} = 1/5$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۶۳- گزینه «۳»

(سعیر عزیزفانی)

جواب‌های معادله در خود معادله صدق می‌کنند:

$$x = -2 \Rightarrow \frac{(2a+1)(-2)}{-2-1} + \frac{(b-1)(-2+2)}{(-2)^2 + 2(-2) - 3} = \frac{3a-1}{-2+3}$$

$$\Rightarrow \frac{4a+2}{3} = 3a-1 \Rightarrow 9a-3 = 4a+2$$

$$\Rightarrow 5a = 5 \Rightarrow a = 1$$

$$x = -1 \Rightarrow \frac{(2a+1)(-1)}{-1-1} + \frac{(b-1)(-1+2)}{(-1)^2 + 2(-1) - 3} = \frac{3a-1}{-1+3}$$

$$\Rightarrow \frac{2a+1}{2} + \frac{b-1}{-4} = \frac{3a-1}{2}$$

$$\xrightarrow{\times 4} 4a+2-b+1 = 6a-2 \Rightarrow 2a+b = 5 \xrightarrow{a=1} b = 3$$

$$\Rightarrow a^2 - b^2 = 1 - 9 = -8$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۶۴- گزینه «۳»

(نسرین صمدی)

برای به‌دست آوردن برد تابع داریم:

$$-2 \leq x \leq 3 \Rightarrow 6 \geq -3x \geq -9$$

$$\Rightarrow -10 \leq -3x - 1 \leq 5$$

$$\Rightarrow -10 \leq y \leq 5$$

$$\Rightarrow \text{برد} = \{y \in \mathbb{R} \mid -10 \leq y \leq 5\}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۲)

۶۵- گزینه «۱»

(امیر زرانروز)

اگر در نمایش زوج مرتبی یک تابع  $2$  زوج مرتب داشتیم که عضوهای اولشان برابر بود، باید عضوهای دومشان را نیز برابر قرار دهیم:

$$\sqrt{4} = 2 \Rightarrow 3^{y-1} = 81 \Rightarrow 3^{y-1} = 3^4 \Rightarrow y-1 = 4 \Rightarrow y = 5$$

$$5^2x = 25^{2-x} \Rightarrow 5^2x = 5^2(2-x) \Rightarrow 5^2x = 5^4 - 2x$$

$$\Rightarrow 2x = 4 - 2x \Rightarrow 4x = 4 \Rightarrow x = 1$$

$$x - y = 1 - 5 = -4$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۹)

۶۶- گزینه «۳»

(نسترن صمدی)

$$3x + 1 = 0 \Rightarrow x = -\frac{1}{3}$$

معادله محور تقارن:

در تابع درجه دوم  $y = ax^2 + bx + c$  معادله محور تقارن برابر است با:

$$x = \frac{-b}{2a}$$

$$\Rightarrow y = 2x^2 + kx - 1 \Rightarrow \text{محور تقارن: } x = \frac{-k}{4}$$

$$-\frac{k}{4} = -\frac{1}{3} \Rightarrow k = \frac{4}{3}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۶۷- گزینه «۴»

(امیر مسموریان)

برای بررسی نظر معلّم‌ها در مورد مسائل فرهنگی جامعه، مصاحبه بهترین روش جمع‌آوری داده‌هاست، زیرا دادگان‌ها در این زمینه در دسترس نیست. برای بررسی تعداد دانش‌آموزانی که امسال، معدلشان افزایش داشته، بهترین روش جمع‌آوری داده‌ها، دادگان‌ها است.

برای بررسی کیفیت نیمکت‌های یک مدرسه بهترین روش جمع‌آوری داده‌ها، مشاهده است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۶ تا ۸۴)

۶۸- گزینه «۳»

(محمدابراهیم توزنده‌جانی)

$$\bar{x} = 140, \sigma = \sqrt{49} = 7$$

۹۶ درصد داده‌ها در فاصله  $(\bar{x} - 2\sigma, \bar{x} + 2\sigma)$  هستند.

$$(140 - 14), (140 + 14) = (126, 154)$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۸)





## ۶۹- گزینه «۲»

(امیر زرنروز)

با توجه به نمودار داریم:

$$\begin{array}{ccccccc} \text{داده‌ها} & \rightarrow & 1, 1, 1, & 1, 2, & 2, 2, & 3, 3, & 4, 4, & 4, 5, & 5, 5, 5 \\ & & & Q_1 = 1/5 & & Q_2 = 3 & & Q_3 = 4/5 & \end{array}$$

$$\Rightarrow IQR = 4/5 - 1/5 = 3/5$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۰۹)

## ۷۰- گزینه «۳»

(علیرضا عبری)

$$\text{مقدار واقعی } A = \frac{\text{مقدار بیشینه } A}{\text{عدد روی شاع } A} \times 100 \Rightarrow 80 = \frac{x_A}{30} \times 100$$

$$\Rightarrow x_A = \frac{80 \times 30}{100} = 24$$

$$\text{مقدار واقعی } B = \frac{\text{مقدار بیشینه } B}{\text{عدد روی شاع } B} \times 100$$

$$\Rightarrow 100 = \frac{x_B}{100} \times 100 \Rightarrow x_B = 100$$

به همین ترتیب داریم:

$$\text{عدد روی شاع } C = 40 = \frac{x_C}{80} \times 100 \Rightarrow 100 x_C = 3200 \Rightarrow x_C = 32$$

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{24 + 100 + 32}{3} = \frac{156}{3} = 52$$

$$\sigma^2 = \frac{(24-52)^2 + (100-52)^2 + (32-52)^2}{3} = \frac{784 + 2304 + 400}{3} = \frac{3488}{3}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

## علوم و فنون ادبی (۱)

## ۷۱- گزینه «۱»

(فرهاد علی‌نژاد)

عبارت این گزینه درباره زبان پارتی صدق می‌کند. زبان پهلوی، زبان رسمی دوران ساسانی بود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۳۹، ۴۰، ۴۲ و ۴۳)

## ۷۲- گزینه «۱»

(عارفه سادات طباطبایی نژاد)

شاهنامه ابومنصوری به نثر سامانی و سیاست‌نامه به نثر غزنوی و سلجوقی نگاشته شده است. بنابراین موارد (الف، ب، د) با شاهنامه ابومنصوری و موارد (ج، ه، و) با سیاست‌نامه تناسب دارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

## ۷۳- گزینه «۲»

(ابوزر احمدی)

موارد نادرست:

تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم، شعر پارسی همچنان تحت تأثیر سبک سامانی و غزنوی بود. تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند، باعث شد در قرن هفتم شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

## ۷۴- گزینه «۴»

(هومن نمازی)

گزینه «۴»، نه هجای کوتاه دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: یازده هجای کوتاه دارد.

گزینه «۲»: دوازده هجای کوتاه دارد.

گزینه «۳»: سیزده هجای کوتاه دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۳۸)

## ۷۵- گزینه «۳»

(هومن نمازی)

«ن» بعد از «ا» در واژه «چشمان» و وجود ۵ هجای کشیده:

شاد: U - / سیاه: U - U / شاد: U - / نیست: U - / باد: U -

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ن» ساکن در واژه‌های «بین و رقیبان» و هجاهای کشیده:

خام: U - / فاش: U - / هوس است: U - UU

گزینه «۲»: به‌خاطر نداشتن «ن» ساکن بعد از مصوت بلند حذف می‌شود، ولی ۵ هجای کشیده دارد:

بات: U - / مدام: U - U / کاه: U - / تاب: U - / کاب: U -

[ن در «ستوران» محرک است و حرکت «ن» پذیرفته است.]

گزینه «۴»: «ن» در واژه «شادمان» و وجود ۴ هجای کشیده:

شادمان: U - - U - / بود: U - / نکرد: U - U / یاد: U -

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

## ۷۶- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

حروف مشترک قافیه = حروف اصلی + حروف الحاقی؛ (پس هنگامی که قافیه، حروف الحاقی نداشته باشد، حروف مشترک و حروف اصلی برابر و مطابق همدیگر خواهند بود. مانند قافیه بیت گزینه «۳» که حروف «رد» هم حروف مشترک‌اند و هم حروف اصلی قافیه.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: حروف مشترک: یت / حروف الحاقی: یت / حروف اصلی: یت - ق

گزینه «۲»: حروف مشترک: ازی / حروف الحاقی: ی / حروف اصلی: ازی

گزینه «۴»: حروف مشترک: ُ رده / حروف الحاقی: (ب) ه / حروف اصلی: ُ رده

توجه: مصوت بلند «ای» و «ای» بیان حرکت (ه آخر کلمه)، همواره در حکم حروف الحاقی‌اند. (مانند قافیه ابیات گزینه‌های «۲» و «۴»)

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۱)

## ۷۷- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا احمدی)

هم‌قافیه‌شدن همه گروه‌کلمات مذکور در گزینه «۱»، بلامانع است و حروف اصلی آن‌ها به‌ترتیب، «یر»، «م و م» و «ان» است.

توجه: کلمات «خادمی و آدمی» با وجود تفاوت در مصوت کوتاه (ی و و)، به دلیل داشتن حروف الحاقی هم‌قافیه می‌شوند؛ هم‌چنین کلمات «ایران و جانان» نیز به‌دلیل اشتراک در حروفی که در یکی از کلمات، الحاقی و در دیگری غیرالحاقی است، هم‌قافیه می‌شوند. («ان» در کلمه «جانان» پسوند نسبت است و در واژه «ایران» الحاقی نیست.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «هندسه و فلسفه» نمی‌توانند قافیه شوند؛ چرا که «های بیان

حرکت» همواره در حکم حروف الحاقی است و با حذف آن «هندس» و «فلسف» می‌مانند که علی‌القاعده هم‌قافیه نمی‌شوند. سایر گروه‌های این گزینه هم‌قافیه‌اند.



می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. بنابراین علت همانند پنداشتن پدیده‌های طبیعی و اجتماعی، مستقل شدن پدیده‌های اجتماعی از انسان‌هایی است که آن‌ها را به‌وجود می‌آورند. پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به‌وجود می‌آورند و از آنجا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند. بنابراین علت معناداری پدیده‌های اجتماعی این است که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند. ارزش‌ها و هنجارها تا جایی تداوم دارند که افراد براساس آن‌ها عمل کنند و در غیر این صورت از بین می‌روند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۱)

## ۸۲- گزینه ۲

(الهام رضایی)

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید ← این پدیده پس از اینکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد ← پیامدها و الزاماتی را به‌دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. ← این پیامدها خود موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورند ← ساختن جهان اجتماعی جدید نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است ← با تغییر جهان اجتماعی موجود و برداشته شدن الزامات آن ← جهان اجتماعی جدید شکل می‌گیرد ← الزام‌های دیگری را به‌دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

## ۸۳- گزینه ۱

(الهام رضایی)

تغییراتی که به لایه‌های عمیق (عقاید و ارزش‌ها) برمی‌گردند: یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌کنند. تغییراتی که به لایه‌های سطحی (هنجارها، رفتارها و نمادها) برمی‌گردند: در درون یک جهان اجتماعی واحد واقع می‌شوند. ارزش‌های کلان: همان آرمان‌ها و اعتقادات اصلی یک جهان اجتماعی هستند که تفاوت آن‌ها از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

## ۸۴- گزینه ۱

(فاطمه صفری)

### تشریح موارد نادرست:

الف) به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن‌ها هستند، آرمان اجتماعی می‌گویند. ب) جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آن‌ها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند. ج) حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵۲، ۵۴ و ۵۷)

## ۸۵- گزینه ۱

(علیرضا میرری)

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می‌شود. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

گزینه ۳: «بهاران» و «گیلان» قابلیت هم‌قافیه شدن را دارند، چرا که «ان» در بهاران پسوند زمان است و در گیلان پسوند مکان؛ هم‌چنین هم‌قافیه شدن «دست و بست» نیز درست است. اما با توجه به الحاقی تلقی شدن مصوت بلند «ای» در پایان واژه‌های قافیه، «معن» و «دعو» قافیه‌ی درستی به‌شمار نمی‌روند.

گزینه ۴: یکسان بودن نوع پسوندها در کلمات قافیه مردود است، بر همین مبنا «سازش و بارش» قافیه‌ی درستی نمی‌سازند. پسوند «\_ش» در هر دو ملحق به بن مضارع است و اسم مصدر می‌سازد (ولی هم‌قافیه شدن سایر کلمات در این گزینه، صحیح است).

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۱)

## ۷۸- گزینه ۳

(سیرعلیرضا امیری)

«موی» و «روی» جناس دارد. / فاقد استعاره است. / تشبیه مرجح در تشبیه روی به خورشید و نسیم مو به مشک

### تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «جناس: «که» و «چه» / بی‌قراری بنفشه: تشخیص و استعاره / تشبیه مرجح در تشبیه مو به بنفشه / «چو صبا ...»: تشبیه

گزینه ۲: «جناس: «در» و «بر» / «بت» استعاره از یار / «مه‌رو»: تشبیه درون‌واژه‌ای

گزینه ۴: استعاره: بنفشه سر در جیب کند (استعاره مکنیه) / جناس: مویت و رویت / تشبیه: «موی معشوق به بنفشه» و «روی او به گل» تشبیه شده و بر آن‌ها برتری دارند. (تشبیه مرجح)

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

## ۷۹- گزینه ۳

(مفسن امیری)

الف) شمع از زبان خود (شعله خود) آسیب می‌بیند، تو نیز از آسیب زبان آگاه باش. (سکوت کن)

ب) دشمن پیروز را می‌توان با تواضع و فروتنی مغلوب ساخت.

ج) در این دنیا به‌جز تسلیم شدن در برابر تقدیر چاره‌ای نیست.

د) آب زندگی (آب حیات) در قبال صبر و شکیبایی حاصل می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

## ۸۰- گزینه ۲

(مفسن امیری)

در عبارت صورت سؤال، نویسنده مانع انسانیت را آسایش طلبی و حرص و طمع دانسته است؛ این مفهوم در بیت گزینه ۲ نیز مطرح شده است.

(نکوهش آسایش طلبی و طمع‌ورزی)

### تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: نکوهش مردم‌آزاری

گزینه ۳: نکوهش عیب‌جویی

گزینه ۴: توصیه به خیررسانی به خلق برای رضای خداوند یا راحتی و آسایش خود

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۱۶)

## جامعه‌شناسی (۱)

## ۸۱- گزینه ۱

(علیرضا میرری)

پدیده‌های اجتماعی به مرور، از انسان‌هایی که آن‌ها را به‌وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که افراد احساس



بنابراین هویت فرهنگی جوامع اسلامی در دیدگاه مستشرقان چند ویژگی دارد: ۱- سکولار و دنیوی ۲- محدود به ابعاد تاریخی و جغرافیایی ۳- قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد.

حیات معنوی اسلام، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گسترده است و نظریه‌پردازان غربی را که طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل و بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۸)

#### ۸۶- گزینه ۲

(الهام رضایی)

«ارسطو» در حکومت دموکراسی، مردم براساس آراء خود حکومت می‌کنند (تأیید گزینه ۱). اقلیتی را که بر مبنای میل و خواست خود تصمیم می‌گیرند الیگارش می‌نامید (تأیید گزینه ۲). حکومت اکثریت مردم براساس خواسته‌های نفسانی را دموکراسی می‌نامید (رد گزینه ۳). حکومت فردی که فضیلت و حقیقت را ملاک حکومت می‌داند، موناشری می‌نامید (تأیید گزینه ۴).

«فارابی»: مدینه زاله، حکومت اکثریت به صورت تحریف شده خدا محور براساس ملت الهی است. (رد گزینه ۱). نظام‌های سیاسی را براساس دو ملاک دین‌مداری یا دنیامداری تقسیم می‌کرد (تأیید گزینه ۲). نظام سیاسی دنیامدار فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی را مورد توجه قرار می‌دهد (تأیید گزینه ۳). مدینه فاضله را جامعه‌ای می‌داند که براساس سنت و قانون الهی شکل می‌گیرد (رد گزینه ۴).

«جمهوری اسلامی»: عنوان «اسلامی» در این ترکیب به معنای این است که فعالیت مردم و نهادها بر مبنای عقاید و ارزش‌های اجتماعی اسلامی سازمان پیدا می‌کند (رد گزینه ۱). همان مردم‌سالاری دینی است (تأیید گزینه ۲). عنوان «جمهوری» در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است (رد گزینه ۳). نوعی نظام سیاسی که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است (تأیید گزینه ۴).

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

#### ۸۷- گزینه ۳

(فاطمه صفری)

قرار گرفتن بر سر دو راهی‌ها، ارادی بودن کنش انسانی را نشان می‌دهد. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آن‌ها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو، فردی که به زبانی آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند. یکی از معنای گره کردن مشت به معنای اعتراض کردن است.

پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴ و ۵)

#### ۸۸- گزینه ۱

(کنکور سراسری ۱۳۰۰)

در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بود نه رعیت. به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شد. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۴)

#### ۸۹- گزینه ۳

(فاطمه صفری)

جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضای جهان اجتماعی مبهور و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند؛ در آن صورت عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرا می‌گیرند. جهان اجتماعی خودباخته، ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد، بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهور و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۸)

#### ۹۰- گزینه ۴

(فاطمه صفری)

اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار ازخودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای ازخودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار ازخودبیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۰۱)

### عربی زبان قرآن (۱)

#### ۹۱- گزینه ۲

(راضیه یارگلاری)

«ولئک المواطنون»: ترکیب است و جمله نیست؛ باید به صورت «آن شهروندان» ترجمه شود پس گزینه‌های ۱ و ۴ نادرست هستند. «اجتهدوا»: تلاش کردند فعل ماضی است. پس گزینه‌های ۱ و ۳ نادرست هستند.

(ترجمه)

#### ۹۲- گزینه ۳

(هادی پولاری - تبریز)

«سوف تعلمک الایام»: روزها به تو خواهند آموخت (رد سایر گزینه‌ها) / «الثروة الحقیقیة»: ثروت حقیقی (واقعی) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أن تملک»: مالک شوی (داشته باشی) (رد گزینه ۴) / «قلوب من حولک»: دل‌های کسانی را که در اطراف هستند (رد گزینه ۲) / «من أصدقاتک و جيرانک»: از دوستان و همسایگانت (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

#### ۹۳- گزینه ۳

(کاظم غلامی)

«هناک»: وجود دارد، هست (رد گزینه ۱) / «عمارات»: ساختمان‌ها، بناها (رد گزینه ۲) / «تقع»: واقع است (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «کل من»: هر یک از، هر کدام از (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «تقدر»: می‌توانند (رد گزینه ۲) / «السیاح»: گردشگران (رد گزینه ۱) / «من کل بلاد العالم»: از تمام کشورهای جهان (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

۹۴- گزینه «۴»

«له»: برایش، ترجمه نشده است/ «یحدث»: اتفاق می افتد (فعل مضارع)  
(ترجمه)

۹۵- گزینه «۴»

بادهای شدیدی: «ریاحٌ شديدة» (نکره) (رد گزینه ۳) / وزید: «غَصَفْتُ» (ماضی) (رد گزینه ۲) / ایجاد کرد: «أحدثت» (رد گزینه های ۱ و ۳) / جریانی: «تیاراً» (نکره) (رد گزینه ۳)  
(ترجمه)

۹۶- گزینه «۲»

ترجمه عبارت گزینه «۲»: رهبران کسانی هستند که مردم را نصیحت می کنند و آن ها را به سمت موفقیت هدایت می کنند.  
**ترجمه سایر گزینه ها:**

گزینه «۱»: چیزی که در همه روزهای سال رخ می دهد سالانه نامیده می شود.  
گزینه «۳»: درد شدید در اعضای بدن انسان همان سردرد (صداع) است.  
گزینه «۴»: همراه (مُرافق) مکان هایی است که همه مردم مالک آن هستند و برای شخص خاصی نیست (در این گزینه باید توجه داشت که کلمه «مُرافق» به معنی همراه با کلمه «مُرافق (عامّة)» به معنی تأسیسات (عمومی) اشتباه گرفته نشود)  
(مفهوم)

۹۷- گزینه «۲»

(مرتفی کاظم شیروری)  
«الحيوانات» (صحيح: الحيوانات) با فتحه «ح» توجه داشته باشید که «حيوان» صحيح است نه «حيوان» / «تستعمل» از باب استفعال بر وزن تستعمل صحيح است با کسره «مب» (صحيح: تستعمل).  
(ضبط حرکات)

۹۸- گزینه «۳»

(رافیه یارگاری)  
در سایر گزینه ها فعل غایب (سوم شخص جمع) آمده، اما گزینه «۳» فعل مخاطب (دوم شخص جمع) است.  
(قواعد فعل)

۹۹- گزینه «۴»

(الله مسیح فواه)  
سؤال گزینه ای را خواسته که جارو مجرور از ارکان جمله اسمیه باشد؛ یعنی خبر واقع شده است. تنها در گزینه «۴» جار و مجرور (لکم) خبر واقع شده است.  
**تشریح گزینه های دیگر:**  
گزینه های «۱ و ۲» جمله فعلیه است و در گزینه «۳»، «قد صنعت» خبر است، نه «للقایة».

(انواع هملاط)

۱۰۰- گزینه «۳»

(کاظم غلامی)  
در صورت سؤال آمده است: «فعلى را مشخص کن که نمی دانیم چه کسی انجامش داده است»، یعنی فعل مجهول را باید پیدا کنیم که با توجه به معنای عبارات، گزینه «۳» مجهول است:  
**تشریح گزینه ها:**

گزینه «۱»: دلفین ها به بچه های خود شیر می دهند، زیرا آن ها از پستانداران هستند.

گزینه «۲»: باور نمی کنم که دلفین ها مانند پرندگان آواز می خوانند.  
گزینه «۳»: کشتی به کمک دلفین ها به ساحل کشیده شد.  
گزینه «۴»: رازهایی از زندگی این حیوان را با راهنمایی پدرم فهمیدم.  
(قواعد فعل)

منطق

۱۰۱- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی نژاد)  
تعریف اصطلاحات در علوم مختلف هدف علم منطق نیست؛ اساساً تعریف اصطلاحات نه وظیفه علم منطق است و نه هدف علم منطق. تأکید علم منطق بر آموزش شیوه درست تعریف کردن است. به عبارتی علم منطق در بحث تعریف فقط درست تعریف کردن را آموزش می دهد و خودش به تعریف اصطلاحات نمی پردازد.  
(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه های ۳، ۴، ۵ و ۹)

۱۰۲- گزینه «۱»

(نیمه پوهاری)  
در گزینه «۱»، «شیر» مشترک لفظی است. اما مغالطه اشتراک لفظ نداریم. اتفاقاً خود شعر دارد به مغالطه اشتراک لفظ و دچار شدن به آن اشاره می کند و می گوید اگرچه «شیر» به یک صورت نوشته می شود، اما معانی مختلف دارد و نباید آن ها را اشتباهاً یکی بگیری، بلکه با هم تفاوت دارند.  
**تشریح سایر گزینه ها:**

گزینه «۲»: مرجع ضمیر «ش» در این عبارت مشخص نیست که علی است یا احمد است. پس ابهام در مرجع ضمیر داریم.  
گزینه «۳»: با توجه به این که ویرگول بعد از واژه «زمین شناسی» قرار بگیرد یا بعد از واژه «جیرفت» معنا متفاوت می شود؛ این که جیرفت محل برگزاری همایش است یا محل دستاوردهای زمین شناسی است. پس مغالطه نگارشی کلمات داریم.

گزینه «۴»: فرد اینجا به جای معنای التزامی «شلیک نکردن» که نکشتن رزمنده و زنده گذاشتن است، صرفاً معنای مطابقی آن یعنی پرتاب نکردن گلوله را گرفته است. پس مغالطه توسل به معنای ظاهری داریم.  
(منطق، لفظ و معنا، صفحه های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

۱۰۳- گزینه «۱»

(نیمه پوهاری)  
نسبت بین دو مفهوم موجود در صورت سؤال عموم و خصوص من وجه است. بعضی مفاهیم کلی هیچ مصداقی در خارج ندارد و بعضی مفاهیم کلی این گونه نیستند. بعضی مفاهیمی که در خارج مصداق ندارد، کلی هستند ولی برخی کلی نیستند (مثلاً رستم شاهنامه در عالم خارج مصداق ندارد ولی جزئی است).  
در گزینه اول نیز نسبت عموم و خصوص من وجه دیده می شود. بعضی مفاهیم جزئی یک مصداق در خارج دارند ولی برخی مصداق ندارند (مثل رستم شاهنامه) بعضی مفاهیمی که یک مصداق خارجی دارند، جزئی هستند ولی بعضی کلی هستند (مثل خدا).  
**تشریح سایر گزینه ها:**

گزینه «۲»: برای هر مفهوم جزئی نمی توان مصداق متعدد فرض کرد و هر مفهومی که نتوان برایش مصداق متعدد فرض کرد جزئی است. پس نسبت تساوی برقرار است.



گزینه «۳»: نسبت تباین برقرار است. زیرا هر مفهوم کلی دست کم در ذهن دارای چند مصداق است نه فاقد آن!  
گزینه «۴»: نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ زیرا فقط بعضی مفاهیم کلی مصداق متعدد یا بی‌نهایت در خارج دارند، ولی هر مفهومی که چنین است، مفهوم کلی است.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۳)

#### ۱۰۴- گزینه «۲»

(کیمیا طوماسبی)  
تعریف ذکرشده برای «فکر» شامل استدلال که از اقسام فکر است نمی‌شود؛ بنابراین تعریف مانع است و جامع نیست.  
در تعریف منطق، شرط واضح بودن تعریف نقض شده است؛ زیرا از واژه‌هایی آشنا، واضح و قابل فهم برای شنونده استفاده نشده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر دو تعریف جامع هستند، اما مانع از ورود اغیار نمی‌شوند.

گزینه «۳»: هر دو تعریف دوری هستند.

گزینه «۴»: در هر دو تعریف شرط واضح بودن تعریف رعایت نشده است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

#### ۱۰۵- گزینه «۴»

(نیمای پوهاری)  
هر چه قدر وجوه مشابهت افزایش یابد استقرای تمثیلی ما قوی‌تر خواهد بود اما هیچ وقت چنین نوع استدلالی یقینی و قطعی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تمثیل در ادبیات متفاوت است. استقرای تمثیلی بر مبنای تمثیل و مشابهت ساخته می‌شود اما خود آن نیست.

گزینه «۲»: نمی‌توان گفت همه انواع استقرای تمثیلی به یک اندازه قوت دارند. چون هر چه قدر وجوه مشابهت افزایش یابد استقرای تمثیلی ما قوی‌تر خواهد بود.

گزینه «۳»: ممکن است در استقرای تمثیلی بین اوصاف یک موضوع واحد مشابهت برقرار شود. به عنوان مثال: علی معلم خوبی است، پس او پدر مهربانی هم هست!

(منطق، اقسام استدلال استقرایی، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

#### ۱۰۶- گزینه «۲»

(نیمای پوهاری)  
از بین جملات، تنها جملات کامل خبری بامعنا تصدیق و قضیه محسوب می‌شوند. به سایر جملات به طور کلی جملات انشایی گفته می‌شود مثل جملات پرسشی، تعجبی، امری، ندا و ... احتمال دیگر هم این است که جملات ناقص و یا بی‌معنا باشند. ویژگی مشترک همه این جملات این است که قابلیت صدق و کذب ندارند.

(منطق، ترکیبی، صفحه ۵۵)

#### ۱۰۷- گزینه «۲»

(حسن صدری)  
در تداخل اگر قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلی آن قطعاً کاذب است، پس اگر بدانیم «بعضی ج د نیست» کاذب است، به‌طور قطعی می‌توانیم بگوییم که «هیچ ج د نیست» نیز قضیه‌ای کاذب است.

#### تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: از صدق کلی به صدق جزئی می‌رسیم.

گزینه «۳»: از کذب جزئی به کذب کلی می‌رسیم.

گزینه «۴»: از صدق جزئی به طور قطعی نمی‌توان صدق کلی را نتیجه گرفت.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

#### ۱۰۸- گزینه «۳»

(سپا پیغرزاده صابری)  
از آنجایی که قیاس شکل چهارم می‌باشد پس حد وسط در مقدمه اول در جایگاه موضوع و در مقدمه دوم در جایگاه محمول است. (ب حد وسط است) پس باید در مقدمه دوم «ب» محمول باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)  
از طرفی دیگر قیاس معتبر است؛ پس چون علامت «ج» در نتیجه مثبت است باید در مقدمه اول نیز مثبت باشد، پس سور آن کلی است. (رد گزینه ۲)

تکات مهم درسی:

برای پاسخ‌گویی سریع‌تر به این نوع سؤالات ابتدا داده‌ها و معلومات سؤال (نتیجه و یکی از مقدمات) را بنویسید و با توجه به شرایط اعتبار و قانون نتیجه‌گیری قیاس مجهولات را به دست آورید.

(منطق، قیاس اقتراعی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

#### ۱۰۹- گزینه «۲»

(کتاب آبی)  
در همه اقسام قضیه شرطی منفصل چنانچه کلمه «یا» حذف شود دو قضیه حمله باقی می‌ماند. سایر گزینه‌ها صحیح هستند.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۸۷)

#### ۱۱۰- گزینه «۱»

(حسن صدری)  
عبارت «تمام دنیا» نشان می‌دهد در این جمله بزرگ‌نمایی به کار رفته است و نوعی اغراق در آن مشهود است.  
هرگاه سعی در بزرگ جلوه‌دادن واقعیتهای داشته باشیم، مغالطه بزرگ‌نمایی رخ داده است.

(منطق، سنهشگری در تفکر، صفحه ۱۱۱)

#### اقتصاد

#### ۱۱۱- گزینه «۴»

(احمد منصوری)  
سیاست‌هایی که دولت از طریق بانک مرکزی برای مدیریت حجم نقدینگی و حفظ ارزش پول اعمال می‌کند، «سیاست‌های پولی» هستند.  
در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، معمولاً سیاست‌های انبساطی اعمال می‌شود. در حالت رکود، بانک مرکزی با خرید اوراق مشارکت، نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق می‌کند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۳)

#### ۱۱۲- گزینه «۱»

(علیرضا رضایی)  
- نحوه اداره تعاونی‌ها براساس هر نفر، یک رأی است.  
- ماهیت مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه‌ها غیرسودآور است.  
- هدف تشکیل تعاونی‌ها تأمین نیازمندی‌های اعضا است.

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه ۱۹)





۱۱۳- گزینه «۱»

(سیرمقدم مرئی دینانی)

داشتن نظم و انضباط و توانایی حل مسئله مربوط به ویژگی پراگیزه بودن و داشتن شجاعت به همراه تدبیر مربوط به ریسک‌پذیر بودن است.  
(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه ۶)

۱۱۴- گزینه «۲»

(آفرین ساهری)

$130,000 = (1,000 \times 50) + (2,000 \times 40)$  ارزش تولید کل اسمی در سال ۹۷  
 $205,000 = (1,500 \times 60) + (2,300 \times 50)$  ارزش تولید کل اسمی در سال ۹۸  
تولید اسمی سال ۹۷ - تولید اسمی سال ۹۸ = نرخ رشد تولید اسمی در سال ۹۸  
 $100 \times \frac{205,000 - 130,000}{130,000} = 57.69\%$

درصد  $\frac{205,000 - 130,000}{130,000} \times 100 = 57.69$   
 $160,000 = (1,000 \times 60) + (2,000 \times 50)$  ارزش تولید کل واقعی در سال ۹۸  
(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۱۱۵- گزینه «۱»

(علیرضا رضایی)

الف) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی در بازار با مازاد تقاضا (کمبود عرضه) مواجه می‌شویم. میزان تقاضا در قیمت ۲۰۰ تومان: ۳۰۰ کیلو  
میزان عرضه در قیمت ۲۰۰ تومان: ۱۰۰ کیلو  
کیلو (مازاد تقاضا)  $200 = 300 - 100$   
ب) در قیمت ۴۰۰ تومان تولیدکنندگان تمایل به تولید و فروش ۳۰۰ کیلو از کالا را دارند، اما تقاضاکنندگان به دلیل بالا بودن قیمت، تمایل چندانی به خرید ندارند و تنها ۱۰۰ کیلو از کالا را تقاضا دارند، در نتیجه حداکثر درآمد تولیدکنندگان در این قیمت برابر خواهد بود با:

حداکثر درآمد تولیدکنندگان در سطح قیمت ۴۰۰ تومان  
هزار تومان  $40 = 400 \times 100 = 40,000$  تومان  
ج) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی در بازار با کمبود عرضه (مازاد تقاضا) مواجه می‌شویم. در این حالت چون گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نمی‌شوند، حاضر هستند برای دریافت کالا، مبلغ بالاتری بپردازند، در نتیجه قیمت افزایش می‌یابد و تمایل تولیدکنندگان به تولید نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه قیمت در بازار تا سطح رسیدن به قیمت تعادلی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه در سطح قیمت ۱۰۰ تومان، قیمت باید تا سطح رسیدن به قیمت تعادلی یعنی ۳۰۰ تومان افزایش یابد. (در سطح قیمت ۱۰۰ تومان، افزایش قیمت به میزان ۲۰۰ تومان  $300 - 100 = 200$ ) بازار را به تعادل می‌رساند.  
(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کند، صفحه ۵۱)

۱۱۶- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

الف) در نقطه (ب) ۴۰۰ واحد کالای A و ۴۰۰ واحد کالای B تولید می‌شود. برای تولید کالای B بیشتر، باید به سمت راست و پایین در طول مرز امکانات تولید جابه‌جا شویم. (یعنی از نقطه ب به ج برویم)  
در نقطه (ج)، ۶۰۰ واحد کالای B (یعنی ۲۰۰ واحد بیشتر از تولید در نقطه A) و ۲۰۰ واحد کالای A (۲۰۰ واحد کمتر از تولید در نقطه A) تولید می‌شود، بنابراین هزینه فرصت ۲۰۰ واحد کالای B بیشتر، ۲۰۰ واحد کالای A است که شرکت باید از تولید آن صرف‌نظر کند.  
ب) تولید در نقاط زیر منحنی مرز امکانات تولید، ناکارا است. (نقطه (و))  
ج) تولید در نقاط بالای منحنی مرز امکانات تولید، غیرممکن است. (نقطه (ه))  
(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه ۳۶ تا ۳۷)

۱۱۷- گزینه «۱»

(مهسا عفتی)

الف) دولت با تعریف و اجرای حقوق مالکیت، امنیت خرید و فروش و مبادلات را بهبود می‌بخشد.  
ب) اساس و مبنای مالیات بر دارایی، ثروت مؤدی است و در مالیات بر درآمد، درآمد افراد و شرکت‌ها مبنای مالیات است.  
ج) در مالیات بر مصرف، مالیات نهایتاً به وسیله مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌شود، اما وظیفه قانونی پرداخت آن به عهده تولیدکنندگان و فروشندگان است.

(نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه ۵۷، ۶۱ و ۶۳)

۱۱۸- گزینه «۴»

(مهسا عفتی)

الف) برای تعامل با دیگران، کشورها ناگزیرند میان بهره‌برداری از مزیت‌های موجود از سویی و خلق مزیت‌های جدید، در جهت افزایش استقلال و اقتدار اقتصادی دست به انتخاب بهینه بزنند.  
ب) ۲۳ کشور برای جلوگیری از اقدامات حمایت‌گرایانه کشورها علیه یکدیگر و حفظ روابط تجاری بین خودشان قراردادی غیررسمی را امضا کردند که به نام قرارداد «گات» مشهور شد.

(اقتصاد، تجارت بین‌الملل، صفحه‌های ۷۵ و ۷۷)

۱۱۹- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

جمعیت زیر ۱۵ سال - جمعیت کل = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر  
نفر  $1,500,000 = 3,600,000 - 1,860,000$  جمعیت ۱۵ سال و بالاتر  
جمعیت غیرفعال - جمعیت ۱۵ سال و بالاتر = جمعیت فعال  
نفر  $1,250,000 = 2,500,000 - 1,250,000$  جمعیت فعال  
جمعیت شاغل - جمعیت فعال = جمعیت بیکار  
نفر  $250,000 = 1,000,000 - 1,250,000$  جمعیت بیکار  
 $100 \times \frac{\text{جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر}}{\text{جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر}} = \text{نرخ بیکاری}$

درصد  $20 = \frac{250,000}{1,250,000} \times 100$  نرخ بیکاری

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۱۲۰- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

الف) برخی بانک‌ها به سپرده‌های پس‌انداز سودی نمی‌دهند؛ بلکه به ازای مدت زمان سپرده‌گذاری، برای مشتری امتیاز دریافت وام در نظر می‌گیرند. به طوری که مقدار وام و دوره بازپرداخت آن تابع مقدار سپرده و مدت زمان سپرده‌گذاری است؛ به این بانک‌ها، بانک‌های قرض‌الحسنه گفته می‌شود.  
ب) نظام‌های بیمه در کشورهای مختلف اغلب به نظام بیمه‌های اجتماعی، نظام بیمه تعاونی و نظام بیمه بازرگانی تقسیم‌بندی می‌شوند.  
ج) نظام بیمه تعاونی شامل بیمه‌های متقابل و تکافل است.

(اقتصاد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، صفحه‌های ۱۵۵، ۱۵۹ و ۱۶۰)